

چهارشنبه‌ها

مخاطب فعال بیانات ولی باشیم

روزنامه رسالت در شماره دیروز خود نوشت: رهبر انقلاب در دیدار رضایی خود با مسئولان ما را از یک آسیب برحذر داشتند؛ آسیبی که قرآن کریم در سوره توبه به آن اشاره می کند و عبارت است از عمل برخی مسلمانان به شیوه جاهلیت. نه تنهاانقلاب نبوی که انقلاب ما هم می تواند دچار این آسیب بشود که در نظام اسلامی، با ظاهر اسلامی، با القاب اسلامی و با شعارهای اسلامی همچون مسئولان زمان طاغوت فکر و عمل شود. هرچند رهبر انقلاب قید کردند که این اتفاق اکنون رخ نداده اما نفس این تذکر از این گرایش پرده برمی دارد و همچنین کیست که نداند دوری نظام اسلامی از بسیاری آسیب ها مدیون شخص رهبری معظم است والاوضاع به گونه دیگری بود. اولین موردی که ایشان از مصادیق عمل به شیوه گذشته ذکر کردند، عبارت بود از «تکیه بر بیگانه». ترجمه فرمایش ایشان جز این نیست که برخی راه برون رفت کشور از مشکلات را پناه بردن و اعتماد کردن به دشمن می پندارند و گمان می کنند به جز تفکر پهلوی در لباس یک مسئول ظاهراً معتقد به مبانی جمهوری اسلامی، اما عمل به شیوه انقلاب اسلامی را امروز در یمن می بینیم. می توان در ایران بود و خود را پیرو تفکر امام خمینی دانست و به انبوه امکانات نظامی ایران پشت گرم داشت اما باز کوتاه آمدن در برابر خواسته دشمن را تنها راه دانست و می توان در یمن بود و در بی امکاناتی محض به دشمن ها اولتیماتوم داد. یمنی که امروز نسخه خالصی از شجاعت انقلاب اسلامی را به نمایش می گذارد و اگر ما این شجاعت را کنار بگذاریم به عقب باز گشته ایم، خشم خدا را در پیش داریم و خدای ناکرده سیلی خواهیم خورد.

دیکتاتور های همیشه کوچک

روزنامه کیهان در شماره دیروز خود نوشت: بهار ۱۳۷۶ وقتی جریان موسوم به چپ(۱) خود را برای انتخابات ریاست جمهوری آماده می کرد، در سخنان و تبلیغات وابسته به چهره های این جریان بر قانونمداری و عمل به قانون اساسی تأکید می شد. آنها اگرچه شعار قانونمداری می دادند اما میانه خوبی با قانون نداشتند؛ همان طور که شعار انتقادیذری و تحمل مخالف می دادند اما تقریباً از هیچ اقدامی برای طرد منتقدان و رقبای سیاسی خود فرو گذار نمی کردند. نویسنده اضافه کرده است: اتفاقات این روزها بار دیگر یادآور قانون گریزی ها و تمامیت خواهی های این جریان همیشه مدعی است. آنها ۹ ماه از حضور غیرقانونی محمدجواد طریف به عنوان معاون راهبردی رئیس جمهور حمایت کردند و پس از اجرای قانون و برکنار کردن او،بلبلکار هم شدند!آخرین مورد مربوط به استیضاح عبدالناصر همتی، وزیر سابق اقتصاد می شود. مجلس شورای اسلامی بر اساس وظایف قانونی اش و در حمایت از مردم اقدام به استیضاح آقای همتی کرد اما همین اقدام قانونی و روال معمولی نمایندگان مجلس شورای اسلامی توسط جریان غریب زده مدعی اصلاح طلبی تحمل نشد تا جایی که چهره های وابسته به آنها را به این فکر انداخت که چرا رئیس جمهور قدرت انحلال مجلس را ندارد! غریب زده گان مدعی اصلاح طلبی جماعتی کم با هیاهوی زیادند و مثل قبیله های آمال شان در غرب، همهوعای از شعارهای توخالی اند. آنها دیکتاتورهای همیشه کوچک هستند که هیچ چار چوب قانونی ای را بر نمی تابند و تمامیت خواهانه همه اجزای قدرت را فقط در انحصار خود می خواهند.

اردوغانی که باد کاشته و طوفان درو می کند
روزنامه صبح نو به تحولات سوریه و نقش ترکیه در این حوادث اشاره کرد و نوشت: سقوط دولت بشار اسد در سوریه وبه قدرت رسیدن تحریرالاشام بیش از هر کس اردوغان را خوشحال کرده بود. رئیس جمهور جاهطلب ترکیه که تصور می کرد از خلأ به وجود آمده بانهایدی دولت مرکزی سوریه وابته کمربت ساختن نقش ایران در منطقه به سود خودش استفاده خواهد کرد.

همه این آرزوها برای اردوغان مقدمه بازگشت به رؤیای عثمانی قدرتمند در خاورمیانه است؛ نقشه ای که از یک سو با نقش بازی کردن در جایگاه یک مسلمان وظیفه شناس و حامی فلسطه فلسطین در مصاحبه ها و سخنرانی ها بروز و ظهور پیدا می کند و از سوی دیگر با تلاش حداکثری در مسیر تضعیف مقاومت و دور کردن تهدیدها از نزدیکی سرزمین های اشغالی خیال نتالیهاو آسوده می کند. اردوغان در یک پارادوکس آشکار گرفتار شده؛ تناقضی که نقش نفاق اود اردوغان مدعی اسلام گرایی را در گسترش نفوذ و تجاوز صهیونیست ها آشکار می کند. سوریه و بشار اسد سال ها انکارا را حامی اصلی گروه های تکفیری و تروریستی در منطقه می دانستند؛ حال که ترکیه همواره این اتهامات را تکذیب می کرد اما حالا اردوغان نقاب از چهره برداشته و حامی اصلی تروریسم تکفیری را به جهان معرفی می کند. رؤیای عثمانی قدرتمند اردوغان اما به کابوس نامتی مرزهای جنوبی منتهی خواهد شد. دولت های حامی تروریست خیلی زود به هدفی برای گروه های تروریستی تبدیل می شوند و ترکیه جاه طلب بی از گسترش نامنی و بی ثباتی در سوریه و به شکل خاص حمایت از جنایات و نسل کشی تحریرالاشام به قربانی بدی همین گروه ها مبدل می شود. موضع گیری صریح اسرائیل علیه حضور و نفوذ نظامی ترکیه و واکنش های ترامپ به اقدامات اخیر اردوغان نشانه های روشنی است از تحولات آتی منطقه. اردوغان حکایت همانی است که باد کاشته و در این هیاهو طوفان درو می کند.

زن در اسرائیل

روزنامه ایران در شماره دیروز خود نوشت: رژیم صهیونیستی جزو ۱۰ ارتشی است که سربازهای زنان در آنها اجباری است. کشورهای مثل کیپ ورد، اریتره، سئوده، امارات، نروژ و جمهوری چاد در کنار گرجستان، چین و کره شمالی دارای سربازهای اجباری زن هستند. اسرائیل با داشتن سربازهای ۲۴ ماهه برای زنان رکورددار به است. زنان در اسرائیل سعی می کنند از معافیت های مختلف مثل ازدواج، بارداری، دلایل مذهبی (حریدی) و بیماری بهره ببرند و از سربازهای فرار کنند. براساس آمار سال ۲۰۲۱ قرار از سربازهای از طریق کسب معافیت هاتقلب از چهره رسیده است که نشان از عدم تمایل جدی زنان برای حضور در سرباز است. افزایش اخبار حول تجاوز و زنان و مسائل جنسی در ارتش در کنار افزایش زنان در یگان های نظامی سال ۲۰۰۰ یعنی به حضور زنان در یگان های نظامی منتهی شده است. اما در صد سربازان زن در مواضع رزمی از ۳ درصد در سال ۲۰۱۵ به ۲۰ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است. همچنین ارتش اسرائیل در سال ۲۰۲۰ اعلام کرد که ۹۶در صد از یگان های نظامی این رژیم برای عضویت زنان در دسترس هستند. سرزمین های اشغالی به واسطه حضور طیف زیادی از تفکرات یهودی و حریدی در کنار موج فمینیسم و لیبرالی در خصوص زنان، موجب شده مسئله زنان جزو مسائل جدی و پربازتاب قرار بگیرد. این مسئله وقتی در گیر یک دهه روزه رویش یعنی جریان اسلام گرایی و مسلمان فلسطینی می شود، پرتنگ تر می هم می شود. آتام برگز، اسیر زن آزاد شده اسرائیلی در مصاحبه ای می گوید: «نرویش ها حماس به ما اجازه می دادند از رادیو و تلویزیون استفاده کنیم. روزنامه می خواندیم و ما بعد از ۱۷اکتبر عید خانو کا را جشن گرفتیم و در کنار دریا گردش کردیم.نزد آنان زن مقدس است. زن آنجا ملکه است!»

روزنامه جوان

روزنامه جوان | شماره ۲۲۶۶ |

پایگاه

سرویس سیاسی ۰۶۰۸۵۲۳۰

چهارشنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۳ | ۱۱ رمضان ۱۴۴۶ |

نیروهای فرامنطقه‌ای باید منطقه را ترک کنند

بازتعریف نقشه قدرت در منطقه



تصویر از نیروهای دریایی روسیه

رژ می‌ش مشترک ایران با دو کشور چین و روسیه

با عنوان «کمر بند امنیتی در یایی ۲۰۲۵»

در میانه تشدید تهدیدات امریکا و هجوم رسانه‌ای عناصر وابسته، صاوی پیام‌های متعددی برای امریکا و متحدان آن است، به همین دلیل بود که ترامپ در واکنش به این رژیم‌ش نتوانست نگرانی خود را پنهان کند و گفت: «اصلا نگران رژیم‌ش‌های برنام‌ریزی شده بین روسیه، چین و ایران نیستیم، زیرا ما از آنها قوی‌تریم.» از سوی دیگر، افزایش ناظران رژیم‌ش و حضور

کشورهای آذربایجان، آفریقای جنوبی، عمان، قزاقستان، پاکستان، قطر، عراق، امارات و سربالانکا تأکید بسیاری بر اهمیت مخابره پیام آن دارد. با توجه به سهم عمده تجارت در یایی از مبادلات اقتصادی و تمرکز امریکا بر مسدود کردن تجارت دریایی سه کشور، تأمین امنیت و تهدید علیه حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در آبراه‌های حیاتی ضرورت پیدا می‌کند، خصوصا که این سبب گسترش تلاش برای دور زدن این محدودیت‌ها هستند. در این میان، شریان‌های حیاتی اقیانوس هند، طبق تهدیدات کاخ سفید آبستن ماجراجویی‌های جدید امریکا رژیم‌صهیونیستی است و به احتمال قوی تاکتیک‌های جدیدی برای ایجاد تشنج و درگیری در این محل و در ادامه در سایر آبراه‌های پیرامونی آسیا اجرا می خواهد شد. ■ ■ ■

پیش‌تر، ایران، نبردهای سایه دریایی را با امریکا و رژیم‌صهیونیستی با هدف اختلال در فروش نفت تجربه کرده است.

در همین زمینه، فرمانده سپاه پاسداران امسال در مصاحبه‌ای عنوان کرد: «در دریای سرخ و مدیترانه ۱۴ کشتی از ما دارند که نفت صادر شود. ما اوبایل متوجه نبودیم که چه کسی این کشتی‌ها را می‌زند

اما بالاخره متوجه شدیم که رژیم‌صهیونیستی است، به‌گونه‌ای که مرزونه و مهم این کار را انجام

می‌دادند.» علاوه بر آن، امریکا به همراه عناصر وابسته‌اش، همواره از بلوکی شدن سه کشور چین، روسیه و ایران برای مقابله با سیاست‌های خود

هراس دارند و برای ممانعت از شکل‌گیری و قوام حیاتی است. این موقعیت به سه کشور این فرصت را داده است با کنترل امنیت آن، نفوذ خود را در سراسر منطقه گسترش دهند.

لازم به ذکر است، بعد از تحولات پس‌اکتبر و اتفاقاتی که در سوریه افتاد، برخی چه در داخل و چه در خارج گمان کردند ایران به لحاظ تضعیف قوای مقاومت، منزوی و امنیت آن متزلزل شده است، اما حضور پررنگ و نقش آفرینی مثبت ایران در موضوعات مهم منطقه‌ای نسه تنها عدم‌انروا و ثبات جایگاه تهران در منطقه را ثابت که فراتر از آن بر لزوم دخالت آن در معادلات غرب آسیا تأکید می‌کند.

■ **ناکارآمدی فشار بر ایران مذاکره**
نکته مهم دیگر به مذاکره احتمالی ایران و طرف‌های غربی اختصاص دارد. ارتقای مشارکت‌های امنیتی و بازنمایی نقش کلیدی ایران در تأمین امنیت منطقه، تهدیدات مکرر ترامپ را دچار چالش می‌کند.

علاوه بر آن، سیاست فشار حداکثری امریکا که تاکنون نتوانسته تغییری در سیاستگذاری ایران وارد کند، با گسترش مناسبات اقتصادی در سایه وجود دارد. یکی دیگر از اهداف قدرت‌های فرامنطقه‌ای جلویی از همگرایی سیاسی بین قدرت‌های رقیب امریکا، یعنی چین و روسیه و سایر کشورها در این حوزه استراتژیک است، به

همین دلیل این سه کشور برای مقابله با هژمونی، بی‌ثباتی و افزایش نفوذ منطقه‌ای ایالات‌متحده تلاش دارند روابط سه‌جانبه را دچار چالش‌های متعددی کنند.

این تلاش‌ها وقتی به اوج می‌رسد که به تعبیر ناظران غربی، دلیل تمایلات امریکا در نزدیک شدن به روسیه، دور کردن مسکو از پکن و تهران و نهایتا شکست خوردن کمر بند ضامن‌رکابی

در جهان است، اما رژیم‌ش به گانه کشورهای ایران، روسیه و چین تا حدود زیادی این دیدگاه

را مخدوش کرده است و نشان می‌دهد اولویت سیاست‌های امنیتی هیچ‌گاه تغییر نخواهد کرد.

■ **پویایی اقتصاد» مزیت استراتژیکی**

رژمیش
حمل‌ونقل دریایی نقش مهمی در دور زدن تحریم‌های ایفا می‌کند و لاجرم تأمین امنیت آن اهمیت دارد. در زمانی که امریکا فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها را ثابت که کشور ایران، چین و روسیه تشدید می‌کند، اقتدار تجارت دریایی و تأمین امنیت در یایی برای امبادلات اقتصادی می‌تواند در مقابل این تصمیمات بازدارندگی ایجاد کند. امریکا برای تشدید تحریم‌ها برنامه‌های متعددی را برای محدودیت تجارت دریایی ایران و راه تجارت ترش دارد، اما از سوی دیگر، این کشور از عوامل ثانویه و نبردهای سایه در دریاها برای مهار صادرات استفاده می‌کند. از آن سو، با وجود تعرف چرخش ترامپ به سوی مسکو اما این خطی طوی هفته گذشته روسیه را به تحریم‌های بیشتر تهدید کرد، بنابراین ضرورت این رژیم‌ش‌ها آشکار است و آینده‌ای در تعارض با اهداف امریکا ترسیم می‌کند. علاوه بر آن، ارتقای همکاری‌های امنیتی در حوزه دریایی سبب گسترش مناسبات چندجانبه میان کشورهای شرکت‌کننده می‌شود. کشورهای مذکور به همراه سایر کشورهایی که خواهان استقلال در مبادلات اقتصادی هستند، در حال تدارک و تثبیت فرصت‌هایی برای رفع تحریم‌ها و دور کردن خود از نظام اقتصادی غربی هستند، مانند سازمان همکاری شانگهای و بریکس، بنابراین رژیم‌ش امنیت توسعه این سازمان‌ها را تضمین و زمینه رشد آن را در جهان فراهم می‌کند. در نهایت نیز به پیبود اقتصادی سه کشور تحت تحریم‌های امریکا منجر می‌شود. همچنین مشارکت دادن کشورهای بیشتر در منطقه اهداف این رژیم‌ش‌ها را توسعه و دایره خطر را برای امریکا گسترش می‌دهد.

در سوی دیگری، خواسته دولتمردان برای نقش آفرینی مستقل در سیاست منطقه‌ای در سال‌های اخیر افزایش پیدا کرده است، بنابراین انتظار می‌رود در آینده کشورهای بیشتری در رژیم‌ش‌های امنیتی شرکت کنند.

این تلاش‌ها وقتی به اوج می‌رسد که به تعبیر ناظران غربی، دلیل تمایلات امریکا در نزدیک شدن به روسیه، دور کردن مسکو از پکن و تهران و نهایتا شکست خوردن کمر بند ضامن‌رکابی در جهان است، اما رژیم‌ش به گانه کشورهای ایران، روسیه و چین تا حدود زیادی این دیدگاه

حمله اصلاح طلبان به گفتمان پزشکیان

به نظر می‌رسد مشکل اصلی اصلاح‌طلبان رادیکال در این حیطه به نوع تعریف آنان از مفهوم «پژدهان نبوی» رئیس سابق جبهه اصلاحات به همین راستا تأکید می‌کند. «نمی‌شود گفت با برخی حوادث مثل استیضاح همتی و استعفا ی ظریف باید حلوا ی وفای را خودر دایلهک باید جدی‌تر این ایده را دنبال کرد. همه ما مکلف هستیم به حفظ و تقویت آن. همه کسانی که دغدغه ایران و حل مشکلات مردم را دارند، باید از این ایده دفاع کنند. وفای به خاطر ایران و منافع ملی است. پس همه باید تلاش کنیم وفای به سه نخورد.» این همه شرایطی است که اصلاح‌طلبان خود به نقاط ضعف مدیریت همتی معترف هستند. دکتر گفت: «علیرضا نثاری» نماینده نپاوند در مجلس دوازدهم نیز در گفت‌وگو با «اعتماد» در پاسخ به این پرسش که چرا مجلس در شرایط بد اقتصادی، وزیر اقتصاد را استیضاح کرد، گفت: موضوع هزینه برکناری مهره‌های خود را بالا ببرند و در این خصوص حتی سعی دارند به به چالش کشیدن گفتمان رئیس‌جمهور فضای سیاسی کشور را ملتهب سازند تا به مقاصد سیاسی خود برسند اما آنچه در این میان مفهوم خود را از دست می‌دهد، مسئله اصلی این گفتمان یعنی وفای ملی است.

پایگاه تصویرها

عباس سیاح‌طاهری

چرا مذاکره با امریکا گزینه مناسبی نیست؟

مذاکره با امریکا همواره یکی از محورهای داغ و محبوب در بحث‌های سیاسی و اجتماعی ایران بوده است. به عنوان یک ایرانی وطن‌پرست، درک می‌کنم که مذاکره به خودی‌خود امری مذموم نیست و می‌تواند ابزاری برای حل اختلافات و پیشبرد منافع ملی باشد، اما سؤال این است که چرا ما حاضر به مذاکره با کشوری نمی‌شویم که خود را قدرت برتر دنیا می‌داند؟ نخستین عاملی که بی‌اعتمادی به امریکا را شکل می‌دهد، سوابق متعدد نقض عهد این کشور است. تاریخ روابط ایران و امریکا پر است از نمونه‌های بدعهدی که گاهی فراموش می‌کنیم:

کودتای ۲۸ مرداد: امریکا با دخالت مستقیم در امور داخلی ایران و سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق، ضربه بزرگی به دموکراسی نوپای ایران وارد کرد.

حمایت از رژیم پهلوی: امریکا در طول دوران حکومت پهلوی، با حمایت بی‌دریغ از این رژیم دیکتاتوری، نقش مهمی در سرکوب مردم ایران داشت.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران: امریکا با حمایت تسلیحاتی و اطلاعاتی از صدام حسین، باعث طولانی‌تر شدن جنگ و افزایش تلفات انسانی و اقتصادی ایران شد.

ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایران: در سال ۱۳۶۷، ناو امریکایی وینسنس، هواپیمای مسافربری ایران را بر فراز خلیج فارس سرنگون کرد و ۲۹۰ مسافر بی‌گناه را به کام مرگ فرستاد.

خروج از برجام: بزرگ‌ترین نمونه نقض عهد اخیر، قطع یک‌جانبه توافق هسته‌ای (برجام) از سوی دونالد ترامپ است. دقیقاً وقتی که ایران به تعهدات خود عمل می‌کرد، امریکا به سادگی همه چیز را زیر پا گذاشت.

ترور سردار سلیمانی: ترور سردار سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه، نقض آشکار حاکمیت ملی ایران و اقدامی تروریستی بود که تنش‌ها در منطقه را به شدت افزایش داد.

بخش جدی از حافظه تاریخی ایرانی‌ها و امریکایی‌ها با ترامپ عجین شده است؛ مردی که دوباره به کاخ سفید آمده و موضوع مذاکره را داغ کرده است. شاید لازم است کمی رابطه امریکای ترامپ را با خودمان بررسی کنیم.

وقتی دونالد ترامپ در ژانویه ۲۰۱۷ به کاخ سفید قدم گذاشت، هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد که چه طوفانی در راه است. برجام، این نهال تازه‌روبیده دیپلماسی، هنوز داشت جان می‌گرفت و بسیاری از ما ایرانی‌ها – حتی با وجود همه تردیدها – امیدوار بودیم شاید روزنه‌ای برای گفت‌وگو باز شده باشد، اما انکار قرار نبود طحارت تلخ تاریخی ما با امریکا به این زودی‌ها رنگ ببازد. رئیس‌جمهور قدرتمندترین کشور دنیا، مثل پسرپنجاهی لجناب، نیمه‌شب‌ها پشت گوشی‌اش کشوری با تمدن هزاران ساله را تهدید به نابودی می‌کرد؛ تهدیدی که بزم تکرار می‌شد و هر بار جدیدتر تا جایی که فهرست مناطق پنجاه‌و گانه‌ای را که می‌خواست بمباران کند، منتشر کرد.

برجام فقط یک توافق نبود، برای بسیاری از ما، نمادی از امید بود. مردم‌هایی که خسته از تحریم‌ها بودند، امیدوار بودند شاید گشایشی در راه باشد، حتی منتقدان داخلی هم با همه هشدارهای شان به احترام تصمیم نظام، مسیر را باز گذاشته بودند و بعد… کافی بود ترامپ یک امضا بزند، همین روزی که از برجام خارج شد، بادم است، تیرت روزنامه‌ها را: «پاره تکرار برجام»، «خروج امریکا»، «بدعهدی دوباره»، اما این تیتراهنی‌نواست عمق احساس خیانتی را که تجربه کردیم، نشان دهد. انکار به کسی که بعد از سال‌هایی اعتمادی، دوستش را برای آشتی دراز کرده بود، سیلی محکمی زده باشند. دوستی‌داشتیم که بزم تکرار می‌شد و پروپاقرص شغلشان را از بعد از خروج امریکا از برجام، پیمای فرستاد: «حق با تو بود، نباید به امریکا اعتماد می‌کردیم» این جمله ساده، تغییر نگرش میلیون‌ها ایرانی را نشان می‌داد.

اما آنچه، ترور سردار سلیمانی بود، فارغ از هر دیدگاه سیاسی، آن نیمه‌شب زمستانی که خبر رسید، شوکی عمیق سراسر کشور را فرا گرفت، مردی که برای بسیاری از ایرانیان، قهرمان مبارزه با داعش بود، در خاک کشور ثالث هدف موشک‌های امریکایی قرار گرفته بود. چندی پیش با دوستی در کانادا صحبت می‌کردم؛ مردی میانسال که سال‌ها در صنعت چوب کار کرده بود. وقتی بحث روابط ایران و امریکا پیش آمد، خنده تلخی کرد و گفت: «ما ۲۰ سال همسایه و دوست امریکا بودیم، اما یک شبه ترامپ تعریف‌های سنگین روی چوب‌های ما گذاشت و هزاران کارگر کاتادایی شغلشان را از دست دادند. شما انتظار دارید با شما بهتر رفتار کند؟» کانادا، این متحد دیرینه امریکا، این همسایه مهربان شمالی که در دو جنگ جهانی کنار امریکا جنگیده، وقتی پای منافع اقتصادی می‌میان می‌آید، چنین سرنوشتی پیدا می‌کند یا بریکر را ببینید؛ همان کشوری که ترامپ وعده داد دیواری بلند در مرزش بسازد و هزینه‌اش را از خود مکزیک‌ها بگیرد! چه تحقیری بالاتر از این؟ در آن سوی دنیا، استرالیا را ببینید که چطور در جنگ‌های بی‌پایان خاورمیانه به دنبال امریکا می‌گشت، وقتی به مصر که همسایه هم می‌باشد، رسیده، امریکا از کودتای نظامی علیه دولت منتخب حمایت کرد.

همیشه برایم جالب بوده که چطور امریکا خود را قهرمان حقوق بشر جهان معرفی می‌کند؛ همان کشوری که در خیابان‌هایش، مردم به جرم رنگ پوست‌شان کشته می‌شوند؛ همان کشوری که زندان گوانتانامو را دارد؛ زندانی که قوانین بین‌المللی در آن معنایی ندارد. بدم نمی‌رود تصاویر فلسطینی‌های آواره و کودکان یمنی را که زیر بمباران‌های ساخت امریکا جان می‌دهند. این دوگانگی آشکار، این شکاف عمیق میان حرف و عمل، چطور می‌تواند مبنای اعتماد باشد؟

سال ۱۳۹۸ برای بازدید از یک شرکت دانش‌بنیان رفته بودم. جوانانی را دیدم که در تحریم‌های شدید، دستگاهی را ساخته بودند که قبلاً فقط سه کشور در دنیا فناوری ساختش را داشتند. مدیر شرکت به من گفت: «اوایل منتظر بودیم تحریم‌ها برداشته شود تا بتوانیم این دستگاه را وارد کنیم، اما وقتی برجام شکست خورد، تصمیم گرفتیم خودمان دست به کار شویم. حالا نه‌تنها نیاز داخل را تأمین می‌کنیم، بلکه به کشورهای همسایه هم صادرات داریم.»

این است معنای واقعی اقتصاد مقاومتی. نه انزوا، نه قطع رابطه با دنیا، بلکه انکار به توان داخلی و تعامل سازنده با همسایگان و کشورهای هم‌گفتمان. حاضرند در دنیا فناوری ساختش را داشته باشند، وقتی امروز می‌پرسند «چرا با امریکا مذاکره نمی‌کنید؟» لبخند تلخی می‌زنم. چه کسی می‌تواند تضمین کند که تاریخ تکرار نمی‌شود؟ حتی یابدن هم، با همه وعده‌هایش، نتوانست برجام را احیا کند. گویی سم بی‌اعتمادی چنان در رگ‌های رابطه دو کشور تزریق شده که هیچ پادزهری توان خشکی کردنش را ندارد.